

جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران

متن معروف معرفی کند و با توجه به اهمیت مثنوی سرایی در شکل‌گیری جریان‌های فکری در ادبیات فارسی دری، تکیه کار خود را بر مثنوی‌های معروف پیش از مغول قرار داده است.

نگارنده در مقدمه ضمن معرفی ادبیات تعلیمی خاطر نشان می‌سازد هر چند همه نخله‌های اخلاق‌گرایانه بهبود منش آدمی، پرورش روح، و نیکبختی انسان را اصل می‌دانند اما چون تلقی اهل هر فرقه و مسلک در هر عصر و هر جامعه از اخلاق همواره یکسان نیست بنابراین رویکردهای متفاوتی به این موضوع وجود دارد. از جمله برخی بر آموزش‌های علمی تأکید می‌کنند و گروهی بر آموزش‌های فرهنگی و دینی، و نیز گروهی نقش عالمان و پیشروان فکری را در بهبود اخلاق اجتماعی مؤثرتر می‌دانند و عده‌ای بر اهمیت کار حاکمان و حکمرانان پافشاری می‌کنند و عموم مردم را پیرو آنان می‌شمارند. وی با بیان این توضیحات، ادبیات تعلیمی فارسی را متأثر از سه شاخه دانسته و به تفصیل به شرح هر یک می‌پردازد. فصل نخست کتاب به بررسی ادبیات تعلیمی در قرن چهارم اختصاص دارد. نگارنده این امر را موکول به شناخت زمینه‌های تعلیمی در فرهنگ پیش از اسلام می‌داند و معتقد است مهم‌ترین منبع در این زمینه اندرزنامه‌هایی است که از دوره ساسانی به جای مانده است. وی خاطر نشان می‌سازد که این مجموعه اخلاقی به صورت مجموع‌های از متن‌های پهلوی یا ترجمه‌های عربی آنها که در قرن‌های آغازین عصر اسلامی صورت گرفته وارد ادبیات فارسی دری شده است.

در این فصل ضمن معرفی اندرزنامه‌های معروف همچون کتاب ششم دینکرد اندرزهای آذرباد مهر سپندان، اندرز خسرو قبادان (خسرو پسر قباد) و اندرزنامه یادگار بزرگمهر و بیان مضامین آنها، از عبدالله بن مقفع (روزبه دادویه، فت ۱۴۲ یا ۱۴۵ هجری قمری) به عنوان کسی نام برده می‌شود که با ترجمه بسیاری از متن‌های مهم پهلوی به زبان عربی خدمت بزرگی به اشاعه فرهنگ ایرانی در قلمرو اسلام کرد، و مهم‌ترین آثار فرهنگی ایرانی به جا مانده از دوره پیش از اسلام به قلم او به دست آیندگان رسیده است. پایان بخش این فصل بررسی دو اثر مهم دوره اسلامی یعنی مثنوی

لیلا کشانی*



* جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران * مریم مشرف

* انتشارات سخن با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول ۱۳۸۹

طیف وسیعی از ادبیات فارسی را ادبیات تعلیمی تشکیل می‌دهد که گونه‌های آن را می‌توان در پند و اندرزها، آموزه‌های زهدآمیز، و اخلاقیات مشاهده کرد؛ حتی درونمایه‌های تغزلی و حماسی در ادبیات به نوعی با آموزش‌های اخلاقی پیوند یافته است. چرا که نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا یکی از اهداف اصلی ادبیات، اغراض اخلاقی و تعلیم و تربیت بوده است.

کتاب حاضر با هدف معرفی و بررسی این نوع از ادبیات در ایران، در یک مقدمه و سه فصل به نگارش درآمده است. نگارنده ادبیات تعلیمی فارسی را در سه بخش تقسیم‌بندی می‌کند: اخلاقیات ایران باستان، اخلاقیات فلسفی، و اخلاقیات اسلامی. وی با نگاهی کل‌نگر کوشیده است برجسته‌ترین شاخصه‌های هر جریان را با تکیه بر چند

آفرین‌نامه سروده ابوشکور بلخی و اندرزهای شاهنامه فردوسی است که از سنت‌های اسلامی پیش از اسلام مایه‌ورند. نگارنده با بررسی این دو اثر چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در ابیات به جا مانده از مثنوی آفرین‌نامه اندرزهای ساسانی برجسته‌تر از دو جریان اسلامی - فلسفی نمود دارد و بازتاب جریان تعلیمی پیش از اسلام در شاهنامه نیز دارای دو وجه است: «تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که جنبه عمومی دارد و نیکیبختی بشر را هدف اصلی خود قرار داده است. موضوع ردایل و فضایل همچنان در محور این تعلیم‌هاست. و دیگر تعالیم اخلاقی و پند و اندرزهایی که اصلاح رفتار و کردار پادشاه را وجهه همت خود قرار داده است. این دو موضوع از این منظر با یکدیگر ارتباط دارد که حکیمان باستان و اندیشمندان قدیم، صلاح و فساد آحاد مردم را در صلاح و فساد رجال حکومت و به‌ویژه شخص پادشاه می‌دانستند و جامعه را به منزله بدن و پادشاه را همچون سر فرض می‌کردند. از این رو تعلیم و تربیت شاهزادگان و اصلاح اخلاق ملوک در این آثار برجستگی ویژه‌ای دارد.» (کتاب ص ۷۲)

فصل دوم کتاب با عنوان «ادبیات تعلیمی در قرن پنجم» با معرفی مثنوی گر شادسینه‌نامه‌اسدی طوسی به منزله یکی از مهم‌ترین آثار دوره اسلامی که از سنت‌های تعلیمی پیش از اسلام تأثیر پذیرفته است آغاز می‌شود. به تصریح نگارنده هر چند این مثنوی مستقیماً اثری تعلیمی محسوب نمی‌شود اما بخش‌های مفصلی از آن به اندرز اختصاص یافته به گونه‌ای که گاه به طور مجزا به چاپ رسیده است. وی بیان اندرزهای موجود در اثر مذکور را به روش اندرزهای ساسانی می‌داند و آنها را به دو مبحث کلی یعنی «تعلیم پادشاهان» و «اندرزهای عمومی برای نیکیبختی همه مردم» تقسیم می‌کند.

در ادامه این فصل مثنوی روشنائی‌نامه منسوب به ناصر خسرو بررسی و افکار تعلیمی آن تبیین می‌گردد. نگارنده در این بخش خاطر نشان می‌سازد که همزمان با رشد و شکوفایی فارسی دری در قرن چهارم هجری، چند شاخه مهم ادبی به تدریج در پهنه ادبیات به ظهور رسید که یکی از مهم‌ترین آنها ادبیات تعلیمی با موضوعات زهد و پند و اندرز بود. شکل‌گیری و رشد نهضت زهد که در ادامه به پیدایش تصوف انجامید نیز ادب و اخلاق خاص صوفیان را پدید آورد که به نوبه خود اثر شگرفی در شکل‌گیری ادبیات تعلیمی در دوره اسلامی داشته است. وی سروده شدن مثنوی روشنائی‌نامه را حاصل ناآرامی‌های سیاسی و شرایط نابسامان اجتماعی در قرن پنجم می‌داند که لزوم توجه به بحث‌های اخلاقی را می‌طلبید. نگارنده اذعان می‌دارد ناصر خسرو «که به گواه تمام آثارش... توجه خاصی به مسأله آگاه‌سازی مردم و تهذیب نفس آنان دارد، در این دوره پرورش اخلاقی و افزایش آگاهی در بین مردم را یگانه راه بیرون کشیدن آنان از فقر و تیره‌روزی و ضلالت و گمراهی می‌شمارد.» (همانجا ص ۹۹)

افزون بر این، در فصل حاضر نگارنده تصریح می‌کند که فیلسوفان از ممتازترین گروه‌هایی بوده‌اند که از دوره‌های بسیار کهن به تعلیم و پرورش اخلاقی انسان توجه کرده‌اند و شناخت نحل‌های گوناگون تعلیمی در ادبیات فارسی بدون گوشه‌چشمی به آرای آنان ممکن نیست. بر این اساس وی ضمن اشاره به آرای فیلسوفان مسلمان همچون بوعلی مسکویه، ابوالحسن عامری، و یحیی‌بنعدی، به بیان آرای تعلیمی افلاطون و چکیده کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو می‌پردازد؛ چرا که منظومه‌های فارسی را

مشحون از عناصر فلسفی متأثر از حکمت یونانی می‌داند. به زعم نگارنده، مهم‌ترین و برجسته‌ترین شاخه در ادبیات تعلیمی فارسی، آثار متأثر از قرآن و حدیث و منابع اسلامی دیگر چون نهج البلاغه است. علاوه بر این، نهضت زهد و جنبش عرفان اسلامی نیز هر یک با رنگ و بوی خاص خود ادبیات فارسی و دری را غنی‌تر کرده‌اند. در فصل پایانی کتاب بیشتر این شاخه اخلاقی در ادبیات تعلیمی فارسی معرفی می‌شود. موضوع محوری این فصل بررسی اندیشه‌های تعلیمی سنایی و نظامی در مثنوی حقیقه الحدیقه و مخزن الاسرار - به منزله دو اثر مهم در حوزه ادبیات تعلیمی - و نیز بیان ادامه جریان‌های فکری پیشین است. نگارنده از آنجایی که سنایی را در وهله نخست از شاعران صوفی مشرب می‌داند و بارزترین جلوه در تعلیمات اخلاقی او را وجه عرفان و تصوف می‌شمارد، سخن خویش را با بحث در زمینه جریان اخلاقی صوفیه و آداب خاص و رفتار مورد قبول از نظر آنان می‌آغازد. در ادامه به معرفی کیمیای سعادت اثر امام محمد غزالی پرداخته خاطر نشان می‌سازد: «علم اخلاق که ریشه در تعلیم انسان‌ساز دین مبین اسلام داشت و در طول چهار قرن از ترکیب اندیشه‌های اسلامی و فکر ایرانی و فلسفی پدید آمده و در آثار حکیمانی چون بوعلی سینا، بوعلی مسکویه، یحیی‌بنعدی، و ابوالحسن عامری مدون شده بود، در قرن پنجم به امام محمد غزالی رسید و در آثار او به کمال دست یافت.» (همانجا ص ۱۶۰)

«سیر العباد سنایی غزنوی و کمدی الهی داتنه» و «هنجارگریزی اجتماعی در زبان صوفیه» از دیگر عناوین این فصل است که بیشتر در قالب مقاله در مجله ادبیات دانشگاه قم و مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم به چاپ رسیده است.

پیوست

«دکتر مریم مشرف» عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. از آثار وی می‌توان این موارد را برشمرد:

- زندگی و شعر محمد قزوینی، شاعر عصر صفوی (تألیف)
 - ساحل‌های شناور (مجموعه شعر)
 - صخره برایتون (ترجمه از انگلیسی)
 - پهلو دل (ترجمه از آلمانی)
 - نشانه‌شناسی تفسیر عرفانی (تألیف)
 - شیوه‌نامه نقد ادبی (تألیف)
- وی برای تألیف برخی از آثارش جوایزی را نیز دریافت کرد که از آن جمله است:
- ۱۳۸۳ / برنده جایزه تقدیری از مراسم کتاب، وزارت ارشاد اسلامی برای کتاب پهلو دل
 - ۱۳۸۶ / برنده جایزه کتاب برای کتاب میراث مولوی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - ۱۳۸۶ / برنده جایزه دومین جشنواره بانوی فرهنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای کتاب شیوه‌نامه نقد ادبی.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی